



رسانه های غرب‌گرا، شرکای «دلار پسا آشوب»

افزایش نرخ ارز، مطلوب کدام جریان های سیاسی است؟

در داخل کشور سعی داشتند نقش خود را در تناسب با این نقطه کانونی پیدا کنند. از یک جریان رسانه‌های حاکم بردستگاه‌های دولتی به دنبال مقابله با خط عملیات روانی تحمیلی از خارج از کشور برآمدند اما از سوی دیگر جریان رسانه‌ای مخالف دولت بی‌محابی و بی‌آنکه وجدان خود را در برابر تبعات سهمگین معیشتی رفتار خود قرار دهند، از خط آشوب مجدانه حمایت کردند.

نقد کردن آشوب به نفع جناح خودی

جریان مخالف دولت که عمده آنها را طیف وابسته به دولت‌های بازدهم و دوازدهم تشکیل می‌دهد با حمایت‌های گسترده خود از آشوبگری، نه به دنبال شعار «زن، زندگی، آزادی» بلکه به دنبال عقده‌کشایی از دولتی برآمدند که طی یک سال قبل از آشوب توانسته بود با رد ادعای برجامی و وابستگی به غرب، تجارت خارجی را به پیش از یکصد میلیارد دلار افزایش دهد. علمکرد دوازده ماهه دولت سیزدهم در حوزه اقتصاد که ثبات نسبی

نرخ ارز را همراه داشت، سکوت یکساله‌ای را بر دولتمردان سابق تحمیل کرده بود. حسن روحانی تا پیش از افزایش اخیر نرخ ارز در هیچ جلسه رسانه‌ای شرکت نکرده بود و در سکوت محض به سر می‌پرد. هم‌راهن او که پیش‌تر واردات واکسن را به FATF منوط می‌کردند، در پی چند روز متوالی روزهای بدون فوتی کرونا هیچ اثری از خود به نمایش نمی‌گذاشتند. اما افزایش نرخ ارز متأثر از آشوب فرصت لازم را برای بازنمایی جریان موسوم به اعتدال فراهم می‌ساخت. از همین رو بود که رسانه‌های نزدیک به دولت قبل از جمله «روزنامه اعتماد»، «خبرآنلاین» (تحت مدیریت تیم روابط عمومی سابق نهاد ریاست جمهوری)، «انتخاب» (تحت مدیریت تیم وابسته به جواد ظریف)، «جماران» (متعلق به حسن خمینی و در اختیار تیم نزدیک به حسن روحانی) و... تلاش کردند تا با حمایت‌های مستقیم یا غیرمستقیم از افراد بازداشت‌شده و حتی اخبار حمایتی درباره قاتلان شهدای امنیت، دوقطبی «فصوات رسانه‌ای» را تعمیق

ببخشد. سیاه‌نمایی‌های متعدد در مصاحبه‌ها با شخصیت‌های اصلاح‌طلب، پوشش کامل مواضع ضد نظام برخی چهره‌های هنری، بزرگ‌نمایی شکاف‌ها، خبرسازی و بازنشر خبرهای سوخته قدیمی به عنوان خبر روز و... همه حکایت از آن داشت که آشوب‌ها اگر برای براندازان «نان» نداشته باشد اما برای طیف مخالف دولت «آب» خواهد داشت.

در همین اثنا که برخی خبرنگاران این رسانه‌ها نیز بواسطه اعمال مجرمانه از سوی وزارت اطلاعات دستگیر و در محاکم قضایی بازخواست شدند، اما خط رسانه‌ای این جریان نه در خدمت منافع کشور بلکه مشخصاً در راستای تمدید خط رسانه‌ای و پروپاگاندای خارجی علیه معیشت بود.

میوه آشوب در سبد مخالفان دولت

با فروکش کردن آشوب در خاتمه پاییز ۱۴۰۱، آمریکا و برخی دولت‌های غربی اعتراف صریحی درخصوص شکست پروژه «براندازی در ایران»

داشتند. رابرت مالی نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران و همچنین امانوئل مکررون رئیس جمهور دولت فرانسه در این اعتراف پیشدستی کردند. در نگاهی دیگر، خالی گذاشتن صندلی مذاکره از سوی طرف غربی ایران را منفعل نکرد. رئیس جمهور با پاسخ به دعوت دولت چین، به پکن سفر کرد و قراردادهای تجاری ذیل تفاهنامه ۲۵ ساله دو کشور را امضا و توافقات را رسماً در فاز اجرایی آغاز کرد. همین دلیل کافی بود تا سیل حملات مجدد رسانه‌های وابسته به جریان دولت قبل به منافع ملی رقم بخورد تا میادا حتی «اثرات روانی» چنین سفر کم‌سابقه‌ای بر بازارهای مالی تأثیر مثبت بگذارد.

همین نوع کنش رسانه‌ای کافی است تا واضح‌تر دریابیم که سکوت یک ساله جریان غربگرا نسبت به تخطئه ایده‌های شکست‌خورده‌اش مصلحتی بوده است و حالا که میوه آشوب نه در سبد براندازان بلکه در سبد مخالفان دولت چیده شده، محال است که از خیرآن به نفع کشور بگذرند. بعید نیست این جریان پشتوانه نقد کردن آشوب در سبد مخالفت با دولت آن‌هم به بهانه‌های اقتصادی، این سرمایه را در انتخابات پیش‌روی مجلس خرج نماید و در این مسیر رفع فیلترینگ اخیر برخی شبکه‌های اجتماعی همچون اینستاگرام را که به جهت جلوگیری از بسترسازی برای آشوب صورت گرفت هم به وعده‌ای برای جلب نظرها تبدیل کند.

روحانی: من کشور را از جنگ نجات دادم!

اما مهم‌ترین بعد گفتمانی حمایت از خط آشوب در رسانه‌های غربگرا، ترسیم «وضع جنگی» در برابر آینده کشور است. سخنان اخیر سران دولت قبل به خوبی نشان می‌دهد که این جریان همچون سال ۹۲ قصد دارد با سیاست ترساندن مردم به اهداف جناحی خود دست پیدا کند. سیاستی که طی هشت سال از سوی دولت‌های یازدهم و دوازدهم به جامعه و اقتصاد تزیق شد تا بتواند از ماحصل آن به مقاصد خود در سیاست خارجی برسد. زمیند بر دروغ بزرگ «خالی بودن خزانه» و «در آستانه جنگ» بودن کشور از جمله این سیاست‌ها بود تا از سال ۹۲ دولت حسن روحانی اقدام به کمترین معارضی کشور را پای

میز برجام بنشانند و هر زمان که منتقدان نسبت به سرنوشت این توافق هشدار بدهند، با برجسب «کاسیان تحریم» و «افراط‌گری» آنها را ساکت کند. چه آنکه هم‌زمان با سفر رئیس جمهور به چین، حسن روحانی یک نشست رسانه‌ای با وزرای سابق خود ترتیب داد. او در این نشست اگرچه کارنامه هشت ساله خود و سکوت یک ساله اخیرش را سانسور کرد اما به بازخوانی دروغ بزرگ «برجام مانع جنگ شد» پرداخت. روحانی در این نشست مدعی شد: «قبل از دولت یازدهم ما در آستانه حمله نظامی بودیم؛ یکی از رؤسای جمهور غربی عضو ۵+۱ به طور رسمی در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد در سال ۲۰۱۳ برای حمله نظامی به ایران تصمیم گرفته بودیم. ما نه تنها توانستیم از تهدید نظامی عبور کنیم که حتی قطعه‌نماهای تحریمی که ذیل فعل مشهور در شورای امنیت تصویب شده بود را بدون حتی یک روز اجرا، مغفی کردیم.»

همین گزاره به روایت دیگری از سوی عباس عراقچی، عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده برجام در روزهای اخیر منعکس شد. عراقچی در گفت‌وگو با سایت جماران با اشاره به دشمنی‌های اخیر کشورهای غربی به بهانه حمایت از آشوب‌های اخیر، گفت: «پروژه بدنام‌سازی، امنیتی‌سازی و مشروعبیت زدایی از جمهوری اسلامی در دنیا بسیار خطرناک است؛ مراقب باشیم». عراقچی اما به این واقعیت اشاره‌ای نمی‌کند که اگر پروپاگاندای سیاسی دولت‌های غربی در داخل کشور و از تریبون رسانه‌های حامی خود او امتداد نمی‌یافت اساساً غرب بهانه‌ای برای بدنام‌سازی و امنیتی‌سازی نداشت. چرا که قطعاً «فشار روانی خارجی» بر کشور تنها زمانی استمرار می‌یابد که «فشار سیاسی داخلی» آن را گسترش دهد. در روز گذشته تریبکی از کارشناسان نزدیک به جواد ظریف گفته بود: «تارکات‌چیان تحریم و جنگ در حال برنامه‌ریزی هستند». این سخنان البته نه از باب دل‌سوزی برای کشور بلکه به این معنا ایراد شده است که بین‌الملل، تبلیغات سیاسی غرب را در داخل کشور «واقعیت نمایی» کنند و با همین واگویی کردن ادعاها، تب روانی جامعه را بالا ببرند و از تأثیر گرانی دلار بر اوضاع کالاها و خدمات، به تخریب مسیر دولت بپردازند.



سیاه‌نمایی‌های متعدد در مصاحبه‌ها با شخصیت‌های اصلاح‌طلب، پوشش کامل مواضع ضد نظام برخی چهره‌های هنری، بزرگ‌نمایی خبرسازی و بازنشر خبرهای سوخته قدیمی به عنوان خبر روز و... همه حکایت از آن داشت که آشوب‌ها اگر برای براندازان «نان» نداشته باشد اما برای طیف مخالف دولت «آب» خواهد داشت

دیگه چه خبر؟

پیام همدلی جورج بوش برای تجمع ضد سپاه!



«خبر اول اینکه، جورج بوش، رئیس جمهور پیشین آمریکا که کشته و بنیم شدن میلیون‌ها کودک عراقی و افغان، فقط یک بخش از کارنامه ضد حقوق بشری او است، برای تجمع «زن، زندگی، آزادی» در بروکسل پیام همدردی فرستاد. وی در این پیام، همصدا با جریان ضدانقلاب، از فرارگرفتن نام سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی حمایت کرد. این پیام درحالی شغف و شیفتگی ضدانقلاب را به دنبال داشت که بنا به گزارش نهادهای حقوق بشری غربی، قریب ۵ میلیون کودک عراقی در جریان اشغال این کشور به دست نیروهای تروریست آمریکا بنیم شدند. این درحالی است که بوش در زمان ریاست جمهوری خود هم نتوانست از محور شرارت خواندن ایران طرفی ببندد. باوجود این، حضور حداکثری پرچم‌های تجزیه‌طلبانه در این تجمع به همراه پیام بوش، بار دیگر ماهیت تجزیه‌طلبانه ضدانقلاب و رژیم‌های حامی آنان را آشکار کرد.»

خواننده فراری: هم خشونت داخلی، هم حمله خارجی!



«خبر دیگر اینکه، جریان ضدانقلاب پس از شکست در همراه کردن مردم با خود، خواستار به‌کارگیری خشونت فراگیر، چه داخلی و چه از طریق جنگ افروزی کشورهای غربی برای براندازی شد. از جمله این افراد جنگ‌طلب، یک چهره به اصطلاح هنری! به نام «هج‌کس» است. وی در اظهار نظری با بیان اینکه این پنجره برای همیشه باز نمی‌ماند، اظهار کرد: «اگر جمهوری اسلامی هسته‌ای شود، باید تا نسل‌ها بعد آزادی را به گور ببریم. فرصتی برای گاندی‌بازی نیست، از اعمال خشونت توسط نیروهای آزادیخواه و متحدین خارجی باید استقبال کرد.» البته به نظر می‌رسد آنچه این آوازخوان، گاندی‌بازی خوانده، ناظر به تش کشیدن مدافعان امنیت با کوکتل مولوتف، با شهادت مظلومانه شهید عجمیان و علی‌وردی است!»

تکذیب کارت زرد به نمایندگان از سوی شورای نگهبان

«دست آخر اینکه، برخی رسانه‌ها از تذکر شورای نگهبان به سه نماینده مجلس به دلیل دخالت در امور عزل و نصب‌ها خبر دادند. خبرگزاری فارس با اشاره به اصل پرهیز از دخالت در عزل و نصب‌ها نوشت که با نزدیک شدن به ماه‌های پایانی مجلس یازدهم و آغاز کورس انتخابات مجلس، دخالت‌های نمایندگان علیرغم نص صریح قانونی و فرمایش مقام معظم رهبری در عدم دخالت نمایندگان در امور عزل و نصب‌ها باعث شده که شورای نگهبان به سه نماینده مجلس در مازندران تذکر و «کارت زرد» بدهد. این درحالی است که هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان این خبر را تحلیل رسانه‌ای دانست و گفت: ما در شورای نگهبان کارت زرد و قرمز و چیزهایی از این موارد نداریم و اساساً قانون چنین چیزی را پیش بینی نکرده است.»



کنعانی: دعوت از فرزند یک مخلوع و فراری از وطن دهن کچی به ملت ایران است

ادعاهای اخیر «الهام علی اف»، رئیس جمهور آذربایجان علیه ایران در ارتباط با حمله صورت گرفته به سفارت این کشور در تهران نیز واکنش نشان داد و با اشاره به مواضع دو روز پیش این مقام بلند پایه باکو گفت: «امیدواریم طرف آذری به چهارچوب و روش‌های دیپلماتیک پایبند باشد و مسأله به وجود آمده در چهارچوب روابط دوستانه، روش‌های دیپلماتیک و چهارچوب‌های فنی و حقوقی مورد حل و فصل و رفع سوءتفاهم قرار بگیرد و از روش‌های غیرحرفه‌ای دوری شود. ایران به دنبال روابط دوستانه با همسایگان خود است و امیدواریم کشورهای همسایه نیز به این قضیه ملتزم باشند.» «الهام علی اف» در حاشیه نشست امنیتی مونیخ مدعی تروریستی بودن ماجرای حمله به سفارت باکو در تهران شد و ادعا کرد که مقام‌های ایرانی در رسیدگی به این صورت بگیرد.»



همانند آمریکا به اتهام زنی علیه جمهوری اسلامی ایران عادت کرده است. ایران از کشورهای مؤثر برای حفظ امنیت و آزادی کشتیرانی در آب‌های بین‌المللی است و به تلاش‌های خود در ارتباط با واحد امنیت و آزادی کشتیرانی در آب‌های بین‌المللی ادامه می‌دهد.»

طرف آذری به چهارچوب دیپلماتیک پایبند باشد

سخنگوی وزارت خارجه به

سخنگوی وزارت امور خارجه نشست سال‌جاری کنفرانس امنیتی مونیخ را در راستای خدمت به جنگ طلبان ارزیابی کرد. ناصر کنعانی این را در واکنش به عدم دعوت از جمهوری اسلامی به این نشست و همچنین دادن تریبون به کسانی دانست که هدف براندازی و تجزیه ایران را دنبال می‌کنند. آلمان به عنوان میزبان نشست اسمال اجلاس امنیتی مونیخ تصمیم گرفت به جای دعوت از مقام‌های جمهوری اسلامی از نمایندگان شماری از اقلیت‌های اپوزوسیون ضد ایرانی دعوت به عمل آورد تا عملاً با این اقدام نشان دهد روندی خلاف اهداف تعریف شده برای این نشست را بویژه در قبال ایران دنبال می‌کند. سخنگوی وزارت خارجه در انتقاد از این اقدام با بیان اینکه کنفرانس امنیتی مونیخ که در واقع به نام امنیت برگزار شده است اسمال به کام جنگ و جنگ طلبان تشکیل شد، گفت: «اتفاق

رخ داده اشتباه فاحشی است که برگزارکنندگان این کنفرانس انجام دادند و به اعتبار خود با این تصمیم ضربه اساسی و جدی وارد کردند.»

اتهامات «تل آویو» و اوقیاب‌رد می‌کنیم

سخنگوی وزارت امور خارجه

ذره بین

رفتار غیر حرفه‌ای، روزنامه‌سازی را به توقیف کشاند

اینجا ستون «ذره بین» است و ما با دقت بیشتری به جزئیات یک سوز خبری پرداخته ایم.

کشور است که روز گذشته منجر به توقیف روزنامه‌سازی شد. سیاه‌نمایی‌های مکرر، تحریف اخبار و اظهارات مسئولان و در نهایت، القای مکرر وجود بن‌بست در بخش‌های مختلف کشور، کار دست روزنامه‌سازی داد. پس از ماه‌ها تداوم این رویکرد، روز گذشته هیأت نظارت بر مطبوعات حکم به توقیف ارگان مطبوعاتی حزب کارگزاران داد.

در این میان، باوجود تشکیک‌هایی مبنی بر اینکه توقیف این روزنامه به تیرتور گذشته آن مربوط بوده است، اما اطلاعیه هیأت نظارت بر مطبوعات نشان می‌دهد این تصمیم، به علت تداوم رویه‌های مبتنی بر تخلف این روزنامه در ماه‌های اخیر صورت گرفته است. به گزارش ایرنا، در جلسه روز گذشته هیأت نظارت بر مطبوعات که با

اندهان عمومی طی ماه‌های گذشته، هیأت نظارت بر مطبوعات رأی به توقیف این روزنامه صادر کرد. از این اطلاعیه، می‌توان دریافت که علت توقیف سازندگی، نه مربوط به یک یا دو روز، بلکه مربوط به رویه مغایر شتون مطبوعاتی و رسانه‌ای کشور بوده است که این رسانه در ماه‌های اخیر در پیش گرفته بود. همچنین اشاره هیأت نظارت بر

بخش شایعات و مطالب خلاف واقع یا تحریف مطالب دیگران؛ این گزاره بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات